

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۲۷ می ۲۰۲۶

ف، هیرمند

اردوی مزدور عسکر مزدور

اخیراً پاکستان بعضی از قطعات نظامی خود را به عربستان سعودی به "کرایه" داد و مبلغ در حدود 3 میلیارد دالر - بخشی از مزد و یا کرایه این قطعات نظامی - را نیز دریافت کرد.

دوران ما، دوران معامله و بزنس است، هر چه قابل معامله و خرید و فروش می باشد، بالای آن معامله می شود، گرچه عسکر مزدور و اردوی مزدور پیشینه دور تاریخی دارد، اما به کرایه گیری و دریافت خدمات نظامی از مزدوران نظامی کشور دیگر در دوران کنونی رواج بیشتری یافته است، بانی این معامله نوع جدید عساکر جیره خوار، ایالات متحده امریکا است که مشهورترین گروه عساکر مزدور آن کشور، گروه "بلک واتر" است این گروه که یک مؤسسه شخصی نظامی است به توظيف افراد جهت خدمات نظامی اقدام می کند. برای این سازمان مهم نیست که این افراد به چه شغلی مصروف بوده اند، بالخصوص اگر بتوانند اعمال خشونت بار عرضه کنند، چانس بیشتر تقرر را خواهند داشت، البته چنین کرکتری را می توان در مجرمان حرفه یی باز یافت نمود. بلک واتر در کار نامه های خونینش در افغانستان و عراق نیز دوسیه های بویناکی را به جا گذاشته است.

پوتین نیز در مقرری افراد در جبهات جنگ بر علیه اوکراین، مجرمین خطرناکی را که در زندان ها به سر می بردند، جهت فعالیت های نظامی موظف می نموده است که اعمال خشن و دهشتناک این افراد در جبهات جنگ - مانند کشتن افراد غیر نظامی، تجاوز به زنان و یورش های غیر انسانی به مناطق مسکونی و ... - به نام این نظامیان روسی ثبت گردیده است.

کورایای شمالی نیز از عساکر خود در جبهات جنگ اوکراین نفع برده و هر عسکر خود را در حدود 5000 دالر امریکایی، به فدراتیف روسیه پوتین به کرایه داده است.

... و اینک نمونه معنی دار این کرایه دهی عساکر، همانا کرایه دهی بیش از 8000 عسکر پاکستانی با تعدادی از سامانه های نظامی پاکستان به عربستان سعودی است که حصه ای از وجه کرایه این عساکر قبلاً به پاکستان نیز پرداخته شده است.

چرا دولت ها عساکر مزدور مقرر کرده و یا از سایر دولت ها عسکر به کرایه میگیرند...؟؟
این روش علت واحد ندارد، هر معامله و کرایه گیری عساکر به علت مشخصی متکی است.
بلک واتر امریکایی حرفه تعرض، کشتن و تخریب و ارباب را نوعی حرفه و شغل پذیرفته و این پیشه را معامله پردرآمدی یافته است و به همین منظور آن سازمان را به راه انداخته است تا در کشور های متعدد در برابر پول مزدوران خود را به خدمت دولت ایالات متحده بگمارد. یعنی پول درآوردن هدف "مقدس...!" این معامله تشخیص می شود.

ولادیمیر پوتین به علت آنکه تعدادی از عساکر روسی از جبهات فرار و یا به خاطر حفظ جان زود جبهه را ترک می کرده اند، ناگزیر به استخدام مجرمین خطرناک از زندان های روسیه پرداخته و همچنان به کرایه گیری عساکر کوریای شمالی جهت پیشبرد جنگ علیه اوکراین نیز مبادرت می ورزد.

معامله کرایه دهی عساکر پاکستانی به دولت پادشاهی عربستان سعودی کمی خاص است، پاکستان به حیث یک دولت محتاج، معامله گر، فاقد هویت تاریخی، بی اصل و نسب، بی باور به رعایت مناعت ملل، هرآنچه در اختیارش باشد و پول بیاورد، از فروش آن چشم نمی پوشد. گرچه که این دولت معامله خود را زیر چتر پاک و مقدس "حفاظت از سرزمین مهد دین مقدس اسلام" می پوشاند ولی برای این عمل چنین دلیل آوری بسنده نمی نماید.

...و اما عربستان سعودی چه مشکلی دارد که به کرایه گیری عساکر پاکستانی رو آورده است...؟؟
مگر باشندگان آن کشور فاقد توانایی دفاع از وطن شان هستند...؟؟ آیا شهروندان سعودی مگر "غیر محارب" اند...؟؟ آیا نفوس کافی برای دفاع از عربستان در آن کشور وجود ندارد...؟؟

طوری که همگان مطلع اند، عربستان سعودی از ثروتمند ترین کشور های نفت خیز در جهان است که سالانه میلیارد ها دالر عواید فروش نفت آن به جیب آن مملکت سرازیر می شود، آری این کشور ده ها میلیارد دالر را برای خرید پیشرفته ترین تسلیحات رزمی خرج میکند و ده ها شاید صد ها میلیارد دالر را در ایالات متحده آمریکا گویا سرمایه گذاری می نماید، ولی این کشور "بیچاره گک" برای اجرا امور نظامی از پاکستان "درمانده" به حیث "درمانده طلب" عسکر به کرایه میگیرد...عجب...

چرا ممالک عربی نفت خیز شرق میانه در تأمین امنیت خارجی شان محتاج ایالات متحده و پاکستان در مانده اند...، شاید عوامل آتی در این معاملات نقش داشته باشند؛ حضور اردو های قوی و مجهز داخلی در این کشور ها ممکن باعث برهم خوردن تعادل ثبات داخلی گردد و بی ثباتی های تحول طلبانه را میدان دهد و یا هم شاید نگرانی از نفوذ اپوزیسیون در داخل لشکر خودی، باعث صرف نظر کردن از داشتن این گونه اردو شده باشد. تنبلی و بی علاقه‌گی به خدمات فیزیکی سربازی و تن پروری به سبب پول های فراوان از فروش نفت ممکن سبب آن گردیده باشد. ایالات متحده نیز برای آن که بر این دولت ها نفوذ و سلطه غیر مستقیم داشته باشد، فضای نگرانی از به وجود آمدن بی ثباتی را هر چه بیشتر دامن می زند.

اما جنگ امریکا – اسرائیل صهیونیست و جمهوری اسلامی ایران نشان داد که "کس نه خارد پشت من، جز ناخن انگشت من" هیچ دولت خارجی خود را مکلف به حفاظت از منافع ملی دولت دیگر نمی داند و امریکا به عوض آنکه برای این کشور ها امنیتی فراهم کند، خود به حیث یک عنصر بی ثبات گردانی در منطقه مبدل شده است.

اینجا پرسش دیگری هم مطرح می شود؛ حال چه فرق میکند اجرای خدمات نظامی توسط یک "مزدور یا جیره خوار" تعمیم شود و یا ذریعه یک سرباز به عمل آید...؟؟ ایفای خدمت به وسیله این دو فرد مختلف چه فرقی را نشان خواهد داد...؟؟

"سرباز" اصلی به صورت معمول و معیاری آن به فردی اطلاق می شود که یا داوطلبانه و یا در برابر معاش برای وطنش و یا جهت خدمات اصولی نظامی در کدر تعاریف استندرد خدمات مشروع نظامی وظیفه اش را به پیش می برد، این خدمات می توانند، دفاع از کشور، تأمین امنیت داخلی، اجرای تطبیق قوانین مربوط، حفاظت سرحدات، تمامیت ارضی، ممانعت از هجوم بیگانگان بر خاک کشور، تعمیم احکام قانونی دولت و... خواهد بود. این وظایف به غیر از قابلیت های حرفه‌یی و توانایی های فیزیکی، مستلزم روحیه اخلاقی باور به ارزشمندی مادی و معنوی وظایف وطنی مربوطه نیز می باشد، سرباز بیش از آنکه به دریافت پول بیندیشد، حین اجرای وظیفه به فکر مردم و میهنش می باشد.

و اما عسکر مزدور چه کسی است...؟؟: «مزدور یا سرباز اجیر شده و جیره خوار به نیروی نظامی یا شبه نظامی گفته می شود که بدون انگیزه های ملی- معنوی و فقط در برابر دریافت دستمزد به صورت پیمانکار جنگی عمل کند. به عقیده برخی شاید بتوان مزدوری را در زمره قدیمی ترین مشاغل تاریخ بشر به حساب آورد.»

با وجود نا کامل بودن تعریف بالا، برخی از خصایل عمدهٔ عسکر مزدور را در آن می توان یافت که عسکر مزدور حاضر نیست به خاطر اهداف یک کشور دیگر، یک دولت دیگر جان خود را به خطر بیندازد، او با حیات ممت کشور کرایه گیرنده، وابستگی و تعلق معنوی و سایر تعلقات دیگر را ندارد. عسکر مزدور فاقد و تهی از ارادهٔ محکم دفاع از اهداف آن کشور خواهد بود. این مزدور فقط به جیره ای که در کرایه گیری اش معامله شده است می اندیشد. چگونه می شود به خدمت این مزدور اطمینان نمود...؟؟ دشوار می نماید.

نکات بالا موارد فرق و تفاوت "سرباز" و "عسکر مزدور" را به ما خاطر نشان می سازد. عساکر مزدور پاکستانی علی الرغم تعهدات ستراتیژیک سعودی ها و پاکستان کار زیاد مؤثری را برای عرب ها به عمل نه خواهند آورد...

پایان